



Approach Studies for the Representation of Jurisprudence Information

Sayyid Taqi Varedi¹

Received: 19/11/2020

Accepted: 04/01/2021

Abstract

Knowledge of jurisprudence, due to the structural scope and increased information production on the one hand and the need for it on the other hand, requires information management through information representation. On the other hand, the representation of information, due to its inclusion between the minimum and maximum, needs to refine the concept, methods and operational approaches, each of which needs to be discussed independently; However, this research, which is applied in terms of collection, library and descriptive studies with an analytical approach and purpose-based, with the aim of explaining and clarifying indexing approaches, seeks to examine different trends in information representation and to identify and examine it in two ways: first in terms of information representation orientation and second in terms of information representation content. In the tendency of information representation, there are three approaches called document-oriented approach, user-oriented approach and domain-oriented approach, which is more necessary for the management of jurisprudential knowledge information, domain-oriented approach. In the content of information representation, there are three approaches called lexical approach, thematic approach and citation approach, which is the best approach to representing the knowledge of jurisprudence, thematic approach.

Keywords

Approaches, Information Representation, Indexing, Subject Index, Citation Index, Jurisprudence Knowledge

1. Assistant Professor, Faculty of Islamic Information and Documents Management, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. t.varedi@isca.ac.ir

* Varedi, S. T. (2020). Approach Studies for the Representation of Jurisprudence Information. Scientific- promotional Biannual Journal of *Theology & Islamic Knowledge*, 2(3). pp. 8-39. Doi: 10.22081/jikm.2021.59759.1045



رویکردشناسی بازنمایی اطلاعات دانش فقه

سیدتقی واردی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

چکیده

دانش فقه به سبب گستردگی ساختاری و فزونی تولید اطلاعات از یک سو و نیاز به آن از سوی دیگر، نیاز به مدیریت اطلاعات از طریق بازنمایی اطلاعات دارد. از سویی بازنمایی اطلاعات به دلیل شمول عنوان آن بین حداقلی و حداکثری، نیاز به تنقیح مفهوم، روش‌ها و رویکردهای عملیاتی دارد که هر کدام نیاز به بحث و بررسی مستقل دارند؛ اما این پژوهش که از جهت گردآوری، کتابخانه‌ای و از جهت مطالعات، توصیفی با رویکرد تحلیلی و براساس هدف، کاربردی است، با هدف تبیین و شفاف‌سازی رویکردهای نمایه‌سازی، درصد بررسی گرایش‌های مختلف بازنمایی اطلاعات است و آن را از دو جهت شناسایی و بررسی کرده است: اول از جهت گرایش بازنمایی اطلاعات و دوم از جهت محتوای بازنمایی اطلاعات. در گرایش بازنمایی اطلاعات، سه رویکرد به نام‌های رویکرد مدرک‌گرا، رویکرد کاربرگرا و رویکرد حوزه‌گرا وجود دارد که برای مدیریت اطلاعات دانش فقه، رویکرد حوزه‌گرا لازم‌تر است. در محتوای بازنمایی اطلاعات نیز سه رویکرد به نام‌های رویکرد واژگانی، رویکرد موضوعی و رویکرد استنادی وجود دارد که بهترین رویکرد بازنمایی دانش فقه رویکرد موضوعی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها

رویکردها، بازنمایی اطلاعات، نمایه‌سازی، نمایه موضوعی، نمایه استنادی، دانش فقه.

۱. استادیار پژوهشکده اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

t.vari@isca.ac.ir

▪ واردی، سیدتقی. (۱۳۹۹). رویکردشناسی بازنمایی اطلاعات دانش فقه. دوفصلنامه علمی - ترویجی

Doi: 10.22081/jikm.2021.59759.1045

مدیریت دانش اسلامی، ۲(۳)، صص ۸-۳۹.

مقدمه

دانش فقه، از یک سو علمی گسترده با تمام ضوابط و خصوصیات لازم هر دانش بشری است و از سوی دیگر موضوع اصلی آن افعال و کردار انسان‌ها است و شمولیتش بر همه افراد، کامل و تام است و بدین جهات بیش از علوم دیگر بشری مورد نیاز مکلفان، به‌ویژه پژوهشگران، استادان، مجتهدان، دانش‌پژوهان و عموم متدینان اسلامی است. در عین حال اطلاعات آن در انواع منابع (همچون: کتاب، نشریه، مجله، پایان‌نامه، طرح پژوهشی و گزارش علمی) و در گونه‌های متعدد انتشاراتی (مکتوب و الکترونیکی) و در دسترسی‌های متفاوت (آفلاین و آنلاین) پراکنده است؛ اما جمع‌آوری و ذخیره‌سازی آنها نه تنها خدمتی به جویندگان اطلاعات فقهی نمی‌کند، بلکه موجب درهم‌ریختگی و نابسامانی در بازیابی اطلاعات می‌گردد و در نتیجه بهره‌های لازم از آنها برده نمی‌شود. بدین جهت لازم است بسان دیگر علوم بشری دسته‌بندی، سازماندهی و مدیریت محتوایی شود تا قابل استفاده برای کاربران باشد. شرط اصلی سازماندهی و مدیریت اطلاعات آن، بازنمایی محتوایی اطلاعات به روش نمایه‌سازی است؛ اما نمایه‌سازی به سبب شمولیت مفهوم آن بین حداقلی و حداکثری، نیاز به تنقیح مفهوم، انواع و اقسام نمایه‌سازی و رویکردهای علمی آن دارد. این پژوهش درصدد تبیین رویکردهای دانش فقه و بررسی و معرفی رویکردهای برتر آن است.

رویکردهای مختلفی برای آن بیان شده است که می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱. از جهت گرایش بازنمایی اطلاعات؛ ۲. از جهت محتوای بازنمایی اطلاعات و هر دسته‌ای نیز دسته‌های کوچکتری دارد که با انتخاب هر یک از آنها، نمایه‌سازی اسناد، هویت متغییری پیدا خواهند کرد. البته یکی از پیش‌نیازهای سازماندهی اطلاعات دانش فقه، بهره‌مندی از اصطلاح‌نامه فقه است که در سال‌های اخیر پژوهشگران پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) تهیه و تولید و منتشر کرده‌اند و زمینه بازنمایی اطلاعات دانش فقه را فراهم شده است. برخی (متقی‌نژاد، ۱۳۹۸) تصور کرده‌اند با تولید اصطلاح‌نامه فقه، نیاز

چندانی به نمایه‌سازی دانش فقه نیست؛ اما این برداشت، درست و قابل قبول نیست؛ زیرا اصطلاح‌نامه‌ها هم اکنون در کشورهای غربی و پیشرفته جهان در رشته‌های گوناگون علوم بشری تهیه و تولید می‌شوند، اما تا به امروز کسی نگفته جای نمایه‌سازی را می‌گیرند. با وجود اصطلاح‌نامه، باز هم نمایه‌سازی، نیازی جدی است. اولاً نمایه‌سازی منابع موجب غنی‌سازی اصطلاح‌نامه‌ها می‌گردد. بسیاری از اصطلاحاتی که در اصطلاح‌نامه دیده نشده بودند، در نمایه‌سازی کشف و به بدنه اصطلاح‌نامه افزوده می‌شوند و همین امر موجب دگرگونی و بازنویسی ساختار اصطلاح‌نامه‌ها می‌شود. ثانیاً اصطلاح‌نامه از تعداد معینی از منابع تهیه می‌گردد؛ درحالی که با همان ابزار اصطلاح‌نامه می‌توان هزاران منابع را نمایه‌سازی و به اصطلاحات نمایه‌ای مستند کرد و دسترسی جستجوگران به آنها را فراهم نمود. ثالثاً اگر نمایه‌سازی به گونه‌ای که در مقاله «علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی» (واردی، ۱۳۹۷) توضیح داده شده است، عمل گردد، واژگان متعدد نمایه‌ای به صورت نظام‌مند در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در بازیابی اطلاعات، چکیده مختصری از هر یک از موضوعات را به نمایش در می‌آورد. رابعاً اگر بخواهیم نمایه موضوعی یک منبع خاص (مثلاً نمایه‌های مفتاح الکرامه) را داشته باشیم، آیا همان اصطلاح‌نامه فقه کفایت می‌کند؟ بی‌تردید پاسخش منفی است. بدین جهت برای مدیریت اطلاعات دانش فقه، اکتفا کردن به اصطلاح‌نامه، مقصود اصلی حاصل نمی‌شود و این نمایه‌سازی است که می‌تواند حلقه بنیادی مدیریت اطلاعات را به وجود آورد.

به هر روی، این پژوهش درصدد شناسایی و تبیین رویکردهای نمایه‌سازی است که از جهت کاربردی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مسئولان ذی‌ربط مدیریت اطلاعات دانش فقه ایفای نقش کند. پیش از پرداختن به اصل بحث، به صورت مقدمه به چند بحث که نقش کلیدی در درک اصل پژوهش دارند، پرداخته می‌شود. این مباحث عبارت‌اند از: پیشنهاد پژوهش، ضرورت بازنمایی اطلاعات و مفهوم‌شناسی واژگان مرتبط.

۱. پیشینه پژوهش

درباره رویکردشناسی نمایه‌سازی دانش فقه، پژوهش قابل توجهی یافت نشد؛ ولی درباره نمایه‌سازی موضوعات فقه چند مقاله به شرح زیر منتشر شده است:

۱-۱. علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی (واردی، ۱۳۹۷)

این مقاله به امکان‌سنجی رویکردهای اصلی سازماندهی محتوایی اطلاعات (مانند فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی)، به منظور نظم‌بخشی و بازنمایی موضوعات فقهی براساس اصطلاح‌نامه فقه می‌پردازد و به سبب کثرت و تنوع موضوعات و فراوانی منابع و محمل‌های برونداد فقهی، تنها شیوه نمایه‌سازی موضوعی را برای سازماندهی اطلاعات و مدیریت موضوعات علم فقه معرفی می‌کند؛ اما از میان شیوه‌های نمایه‌سازی، سه روش نمایه‌سازی ساده، نمایه‌سازی درون‌بافتی و نمایه‌سازی برون‌بافتی (که بین مؤسسات پژوهشی و ناشران کتاب رایج است) را به سبب برخی معایب، ناکافی می‌داند و بر نمایه‌سازی موضوعی ترکیبی که ابداعی و بومی‌سازی شده از نمایه‌های بالا و معرّب است، تأکید و توصیه می‌کند.

اما در این پژوهش، در خصوص رویکردهای بازنمایی (نمایه‌سازی) اطلاعات فقه بحث خواهد شد و رویکردهای مختلفی که در آن مطرح است، معرفی و بررسی خواهند شد.

۲-۱. نمایه‌سازی نظام‌مند اطلاعات دانش فقه (متقی‌نژاد، ۱۳۹۸)

این مقاله به لزوم نظام‌مندی دانش فقه با پیروی از اصطلاح‌نامه فقه پرداخته و در آن به موارد دیگری چون ملاک ترکیب اصطلاحات (پیش‌همارایی) در نمایه‌سازی و اجتناب از اخذ اصطلاحات علوم دیگر (غیر علم فقه) و همچنین اجتناب از نمایه‌سازی فتوای فقهی در مسائل فرعی فقهی اشاره کرده است؛ ولی روح اصلی مقاله نگاه نقادانه به مقاله «علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی» (واردی، ۱۳۹۷) است که در سطرهای قبل به آن اشاره شد.

در هر حال، مضمون این مقاله بیگانه از پژوهش حاضر است که درصدد تبیین رویکردهای مختلف نمایه‌سازی موضوعات فقهی است.

۳-۱. ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای دیجیتال (حسن‌زاده، ۱۳۹۷)

این مقاله درصدد اثبات ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای وب معنایی و برتری آنتولوژی فقه از اصطلاح‌نامه در این فضا برآمده و با پژوهش حاضر کاملاً بیگانه است (گرچه درباره مدیریت اطلاعات دانش فقه است).

۴-۱. ساختار تبویبی و نمایه‌ای فقه (نوری، ۱۳۹۰)

این مقاله دو ساختار نظم‌دهی موضوعات فقهی را بررسی می‌کند و بر ضرورت آنها تأکید می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. ساختار تبویبی (همانند نظم‌دهی موضوعات فقهی در کتاب شرح لمعه و جواهر الکلام). ۲. ساختار نمایه‌ای که منجر به ساختار رده‌ای یا قاموسی می‌گردد. این مقاله به روش نمایه‌ای فعلاً توصیه نمی‌کند، به دلیل مشکلات خاص علم فقه و فقدان نمایه‌سازان خبره‌ای که بتوانند محتوای آثار فقهی را به‌خوبی نمایه کنند؛ البته بخش اعظم مقاله به طبقه‌بندی موضوعات فقهی و همچنین اصطلاح‌نامه تک‌متن نویسی و اصطلاح‌نامه‌های فقه اختصاص پیدا کرده است و بدین جهت ارتباطی با رویکردشناسی بازنمایی اطلاعات دانش فقه ندارد.

۵-۱. ضرورت بازنمایی اطلاعات

رابطه تولید و نشر اطلاعات با جستجو و بازیابی آن، رابطه معکوسی است. به این معنا که هرچه تولید و نشر اطلاعات کمتر باشد، جستجو و بازیابی اطلاعات آسان‌تر است و بالعکس هرچه تولید و نشر اطلاعات زیادتر و حجیم‌تر باشد، جستجو و بازیابی آن سخت‌تر و مشکل‌تر خواهد بود.

در عصر حاضر، اطلاعات تمام رشته‌های علوم و معارف بشری به سبب بهره‌مندی از

فناوری‌های جدید تدوین، تولید و نشر، رشد فزاینده و بی‌سابقه‌ای یافته است. تولید و نشر اطلاعات، امروز محدود به فضای مکتوب (مثل سابق) نیست، بلکه فضای سایبری و محیط‌های الکترونیکی را درنوردیده و به حد نگران‌کننده‌ای رسیده است.

دانش فقه نیز به سبب گستردگی ساختاری و تولید و نشر اطلاعات بی‌حد و حساب آن در فضای الکترونیکی، دستیابی به موضوعات اصلی و فرعی این دانش گسترده‌دامن را مشکل کرده و به یکی از دغدغه‌های اصلی استفاده‌کنندگان از این دانش تبدیل کرده است.

دانشمندان و متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی، راه‌حل بازنمایی (نمایه‌سازی) را بهترین راهکار این معضل جهانی می‌دانند و با تجربه ثابت کرده‌اند که می‌توان انبوه اطلاعات انباشته‌شده هر دانشی را تنها از طریق نمایه‌سازی سازماندهی و سپس مدیریت کنند. به نظر آنان، هرگونه اطلاعات انباشته زمانی می‌توانند بازیابی مطلوبی داشته باشند که بازنمایی خوبی از آن شده باشد.

بدین جهت اگر دانش فقه به‌خوبی بازنمایی گردد، یعنی در برنامه‌سازی موضوعی قرار گیرد، می‌توان بازیابی دلخواه کاربر را در این علم انتظار داشت.

با توجه به اینکه هنوز کار جدی و فراگیری (جز مقدار محدود در برخی از مراکز پژوهشی حوزوی) در نمایه‌سازی دانش فقه انجام نشده، این کار ضرورتش بیشتر از تولید اطلاعات جدید در این دانش است؛ چون در غیر این صورت، دستیابی و دسترسی به اطلاعات آن غیرممکن یا حداقل بسیار مشکل می‌گردد و این با هدف تولید علم تعارض دارد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. رویکرد (approach)

رویکرد در اصل به معنای روی‌نهادن، روی آوردن و رو به سوی چیزی یا به کسی آوردن است. این واژه در اصطلاح روان‌شناختی به معنای جهت‌گیری در موضوع خاص

یا جهت‌گیری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی یا تاکتیکی است. رویکرد به ما می‌گوید در تنظیم برنامه‌های خود باید به کدام سو حرکت کنیم. رویکرد با نظر داشت جهات گوناگون، انواع و اقسامی دارد: مانند رویکرد فردی و رویکرد گروهی (جمعی)، رویکرد اصلی و رویکرد فرعی، رویکرد تحلیلی و رویکرد انتقادی، رویکرد سیاسی، رویکرد فرهنگی، رویکرد اقتصادی، رویکرد علمی، رویکرد آموزشی.

برخی آن را با رهیافت (Attitude) یکی دانسته‌اند؛ درحالی‌که رهیافت در پدیده‌های شخصی است، ولی رویکرد علاوه بر پدیده‌های شخصی می‌تواند تاریخی و جامعه‌شناسی و غیره نیز باشد.

در این مقاله، منظور از رویکرد، جهت‌گیری و تصمیم‌گیری راهبردی در خصوص بازنمایی اطلاعات دانش فقه است.

۲-۲. اطلاعات (Information)

واژه «اطلاعات» در علوم مختلف کاربردهای خاص خود را دارد و در علم اطلاعات و علوم کتابداری تعریف‌های متعددی برای آن ارائه شده و برخی از کارشناسان، پژوهش‌های ویژه‌ای برای آن انجام داده‌اند (عینی، ۱۳۸۴).

کلیولند^۱ تعریف اطلاعات را چندان سودمند نمی‌داند و معتقد است خواص آن برای ما مهم است و در این باره می‌گوید: «تلاش جهت تعریف واژه اطلاعات یک تمرین فکری ارزشمند و برای صحبت جذاب است؛ اما احتمالاً ارزش عملی اندکی دارد. چیزی که ما به آن علاقه‌مند هستیم، خواص آن، یعنی ایجاد، سازماندهی و اشاعه اطلاعات است» (کلیولند، ۱۳۸۵، ص ۳۳).

به هر روی اگر بخواهیم درک درستی از اطلاعات داشته باشیم، باید به ساختار

1. Cleveland and Donald

سلسله‌مراتبی آن در رشته علم اطلاعات توجه کنیم. پاتریک لوبوف^۱ درباره جایگاه اطلاعات می‌گوید: در حوزه نظریه اطلاعات، ساختاری سلسله‌مراتبی وجود دارد که از «داده» (موجودیت خام) شروع می‌شود و به «اطلاعات» (موجودیت خامی که به صورتی هدفمند توسط عامل انسانی سازماندهی شده است)، سپس به «دانش» (موجودیتی غیرمادی که تنها در ذهن انسان است و بر مبنای منابع اطلاعاتی مختلف شکل می‌گیرد) و در نهایت به «خرد» (موجودیتی چنان اصیلی که هرگونه تلاش در جهت تعریف آن عاقلانه به نظر نمی‌رسد) ختم می‌شود (لوبوف و ارسطوپور، ۱۳۹۷).

اطلاعات در پاسخ به مواردی چون چه چیزی، چه کسی، چه جایی، چه زمانی به کار می‌آیند؛ برای مثال عدد ۱۱۸ یک داده است و به خودی خود دارای بار اطلاعاتی خاصی نیست؛ ولی اگر گفته شود که این عدد، شماره اطلاعات مرکز تلفن است، یک تگ (Tag) یا برچسبی به آن زده می‌شود. در این صورت یک اطلاع تولید می‌شود. شماره‌های رمز سیستم‌ها یا شماره‌های حساب یا شماره کارت‌های بانکی از این قبیل‌اند؛ بدین جهت اهمیت ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها دارند. کیولند در پاسخ به این پرسش که «چرا اطلاعات اینقدر مهم‌اند» می‌گوید: چون اطلاعات راه در اختیار گرفتن زندگی هستند (کیولند، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

۲-۳. بازنمایی اطلاعات (Representation of information)

از یک نگاه، بازنمایی اطلاعات همان پردازش اطلاعات است که دلالت دارد بر اینکه اطلاعات برای مقاصد بازیابی، آماده‌سازی و فراهم‌آوری شوند. با این نگاه، این دو اصطلاح، عبارت‌أخرای یکدیگرند.

ولی با نگاه فراتر، آن‌گونه که برخی اشاره کرده‌اند، بازنمایی اطلاعات اصطلاحی است که بر تمامی فنون، روش‌ها، فعالیت‌ها و امور مرتبط با توصیف و سازماندهی اطلاعات دلالت دارد و در نتیجه شامل فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی و

1. Patrick Le Boeuf

مآخذشناسی می‌گردد؛ ولی برخی آن را به جای نمایه‌سازی به کار می‌برند (نوروزی، ۱۳۹۲، وبلاک مشاوره اطلاعاتی). در آن صورت به معنای مدیریت اطلاعات خواهد بود و چون نمایه‌سازی نقش محوری در مدیریت اطلاعات دارد، مجازاً به جای نمایه‌سازی از بازنمایی استفاده می‌شود؛ درحالی‌که نمایه‌سازی مرحله‌ای از مراحل سازماندهی اطلاعات است.

علت اینکه در عنوان این پژوهش از اصطلاح «بازنمایی اطلاعات» استفاده شده، این است که مرحله نمایه‌سازی، مرحله تعیین‌کننده و برجسته‌ای در مدیریت اطلاعات هر دانشی، از جمله دانش فقه است و از جانب دیگر چون واژه «نمایه‌سازی» شامل حداقل‌های سازماندهی اطلاعات است و همین مفهوم حداقلی بیشتر در اذهان تبادر می‌کند، درحالی‌که نمایه‌سازی دانش فقه بسیار پیچیده و پُرزحمت است و لازمه آن نگاه حداکثری در مفهوم نمایه‌سازی است، لازم دیده شد که از واژه بازنمایی استفاده شود، تا بار معنایی مهم‌تری را تداعی کند.

۲-۴. نمایه‌سازی (Indexing)

تحلیل هوشمندانه موضوع مطلب یک سند برای شناسایی مفاهیم ارائه‌شده در آن و تخصیص اصطلاحات نمایه‌ای مربوط، با هدف امکان‌بازایی اطلاعات را نمایه‌سازی می‌گویند (مؤسسه استاندارد بریتانیا، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳).

نمایه‌سازی به معنای عمل‌آوری و انجام نمایه است؛ به عبارت دیگر ساخت نمایه را «نمایه‌سازی» می‌گویند (نیاکان، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

معنای اصطلاحی آن عبارت است از انتساب نمادهای کلامی (کلیدواژه یا توصیفگر) یا غیرکلامی (شماره رده‌بندی) به مدارک برای بازنمایی مفاهیم و محتوای آنها؛ یعنی اگر نماد، نشانه یا واژه‌ای به یک مدرک نسبت داده شود که حکایت از محتوای آن داشته باشد، نمایه‌سازی صورت گرفته است (نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

به عبارت دیگر ثبت و ضبط محتوای اطلاعاتی مدارک با استفاده از روش‌های

گوناگون به منظور سازمان‌دادن اطلاعات به قصد سهولت بازیابی را نمایه‌سازی گویند (سلطانی و راستین، ۱۳۷۲، ص ۳۱۹).

به گفته اندرسون^۱ از آنجا که نمایه‌سازی شیوه‌های دستیابی به اطلاعات مجموعه‌ای از مدارک یا یک مدرک یا بخش‌هایی از یک مدرک را، صرف‌نظر از محل نگهداری آن، فراهم می‌کند، می‌توان گفت نمایه‌سازی روش بنیادین سازماندهی دانش است و فهرست‌نویسی و رده‌بندی مصادیق آن هستند؛ چرا که فهرست‌نویسی، در واقع نمایه‌سازی یک مجموعه خاص است و رده‌بندی هم تنظیم شناسه‌های نمایه براساس ارتباط میان آنها، رابطه کل و جزء و رابطه سلسله‌مراتبی است (نیازی، ۱۳۹۷).

۲-۵. نمایه‌ساز (Indexer)

نمایه‌ساز کسی است که سند را تحلیل می‌کند و به آن، واژه‌های موضوعی را که فکر می‌کند استفاده‌کننده براساس آن واژه‌ها جستجو خواهد کرد، تخصیص می‌دهد (کلیوند، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

به کسی که نمایه‌سازی می‌کند، نمایه‌ساز گفته می‌شود (نیاکان، ۱۳۹۰، ص ۱۱). برخی به جای آن از واژه «نمایه‌زن» یا «نمایه‌کار» و امثال آن استفاده می‌کنند که استفاده درستی نیست. چون با نمایه‌زن (نمایه در موضوع زن) یا نمایه‌کار (نمایه در موضوع کار) اشتباه گرفته می‌شود.

از جهت توانمندی و صلاحیت علمی، هر نمایه‌ساز نیاز به قابلیت‌هایی دارد که برخی از متخصصان دانش نمایه‌سازی به برخی از آنها اشاره کرده‌اند (ر.ک: کلیوند، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲). اما در خصوص نمایه‌سازی دانش فقه، نمایه‌ساز آن باید دارای حداقل سه توانایی زیر باشد:

۲-۵-۱. تخصص در فن نمایه‌سازی

نمایه‌ساز هر دانش، از جمله دانش فقه باید توانمندی نمایه‌سازی را داشته باشد و این

1. Anderson jamesd.

توانمندی می‌تواند از طریق آموزش رسمی باشد یا مطالعه، ممارست و آموزش ضمن کار. در هر صورت با اطلاع از قواعد و اصول نمایه‌سازی اقدام به کار نماید.

۲-۵-۲. آشنایی با اصطلاح‌نامه و روابط معنایی بین اصطلاحات

شناخت اصطلاحات و به‌کارگیری درست آن در نمایه‌سازی، نقش محوری در ایجاد یک نمایه مطلوب دارد. بدین جهت نمایه‌ساز باید با اصطلاح‌نامه و روابط معنایی بین اصطلاحات آشنایی داشته باشد، تا بتواند از طریق آنها نمایه مقبول و مطلوبی ارائه کند. این مسئله در نمایه‌سازی دانش فقه بیشتر به چشم می‌آید؛ زیرا اصطلاح‌نامه فقه یکی از حجیم‌ترین اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی است و رده‌های فرعی آن بسیار است. نمایه‌ساز منابع فقهی اگر از چنین توانی بهره‌مند نباشد و با اصل اصطلاح‌نامه و اصطلاح‌نامه فقه آشنایی نداشته باشد، بی‌تردید نمی‌تواند نمایه درستی از فقه داشته باشد.

۲-۵-۳. تخصص در دانشی که می‌خواهد منابع آن را نمایه‌سازی کند

نمایه‌ساز زمانی می‌تواند نمایه مطلوبی به وجود آورد که درک درستی از متن سند داشته باشد. کسی می‌تواند درک درست داشته باشد که آن دانش را آموخته باشد. دانش فقه از دو جهت برای نمایه‌ساز اهمیت دارد: اول آنکه نمایه‌ساز فقیه باشد یا حداقل آموزش آن را نزد فقها طی کرده باشد. دوم از جهت زبان، چراکه بیشتر متن‌های قابل نمایه‌سازی منابع فقهی به زبان عربی‌اند. آشنایی با زبان عربی در حد ترجمه و درک منظور نویسنده اثر برای نمایه‌ساز لازم است.

علاوه بر همه اینها، نمایه‌ساز باید دارای حال متعادل و مناسب باشد و در نتیجه نه خیلی خوشحال و نه خیلی ناراحت و نگران باشد و تشویش و دلشورگی نداشته و در محیط آرامی نمایه‌سازی کند.

۲-۶. دانش فقه

آن‌گونه که لغت‌دانان عرب گفته‌اند، فقه در اصل به معنای دانستن و فهمیدن است

(جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲۴۳)؛ اما با نگاه دقیق‌تر می‌توان به دست آورد که معنای فقه، فهم مطلق نیست، بلکه به معنی موشکافی، ریزینی و فهم دقیق است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۱۳۵).

اما فقه در اصطلاح، دانشی اسلامی برای به‌دست آوردن احکام عملی یا تکالیف دینی است. صاحب معالم در تعریف آن می‌نویسد: «هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة؛ آن عبارت است از علم به احکام فرعی شریعت از روی دلایل تفصیلی آن» (صاحب معالم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۰). بدین جهت می‌توان گفت: علم فقه، علم یافتن احکام شرعی از راه اثبات‌کننده (ادله) آن است.

علم فقه از جهت ارزشمندی، از شریف‌ترین و ارزشمندترین علوم بشری است. بدین جهت صاحب معالم می‌فرماید: «و لما ثبت انّ کمال العلم انما هو بالعمل، تبین انه لیس فی العلوم - بعد المعرفة - اشرف من علم الفقه، لانّ مدخلیته فی العمل اقوی مما سواه؛ و چون ثابت شد کمال علم تنها با عمل سنجیده می‌شود، روشن می‌گردد که بین علوم - بعد معرفت خدا - اشرف از علم فقه نیست؛ به جهت اینکه مدخلیت عمل در فقه قوی‌تر از غیر فقه است» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۸۴). فقه از جهت دامنه، وسیع‌ترین و پُردامنه‌ترین علم بشری است و از جهت پیشینه، قدیمی‌ترین علم اسلامی به شمار می‌آید.

چون موضوع علم فقه، افعال مکلفان است؛ بدین جهت گستره آن تمام مسائل مربوط به کردار انسان را در بر می‌گیرد. علاوه بر عبادات و معاملات، شامل تمام مسائلی می‌گردد که تحت عنوان حقوق مطرح‌اند، مثل حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق بین‌المللی، حقوق جزایی، حقوق اداری و حقوق سیاسی.

۳. رویکردهای بازنمایی اطلاعات

یکی از بحث‌های اصلی نمایه‌سازی، شناخت رویکردهای آن برای تصمیم‌گیری در مرحله اقدام و انجام است که بسیار حائز اهمیت است.

رویکردهای چندی برای بازنمایی اطلاعات مطرح است که می‌توان آنها را به

دو جهت کلی تقسیم‌بندی کرد و هر جهتی دسته‌بندی‌های فرعی‌تری دارند و آنها عبارت‌اند از:

۳-۱. از جهت گرایش بازنمایی اطلاعات

برای بازنمایی اطلاعات، از جهت گرایش، سه رویکرد قابل تصور است:

۳-۱-۱. رویکرد مدرک‌گرا

رویکرد مدرک‌گرا (یا مدرک‌محور و یا سندمحور)، بر مبنای تجزیه و تحلیل برخی از عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده یک مدرک به منظور تعیین محتوای موضوعی آن می‌باشد، که به فهرست‌نویسی نیز مشهور شده است.

برای فهرست‌نویسی سه سطح تعریف شده:

سطح اول: دربردارنده حداقل اطلاعات کتاب‌شناختی هر اثر علمی است و آنها عبارت‌اند از: عنوان کامل، پدیدآور، شرح ویرایش، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، تعداد جلد یا صفحه، شماره استاندارد بین‌المللی و واژه‌نامه.

کتابخانه‌های کوچک و متوسط از این سطح بیشتر استفاده می‌کنند.

سطح دوم: حاوی اطلاعات لازم کتاب‌شناختی است و آنها عبارت‌اند از: عنوان کامل، عنوان به زبان دیگر، نخستین شرح پدیدآور، شرح پدیدآورهای بعدی، شرح ویرایش، نخستین محل نشر، نخستین ناشر، تاریخ نشر، تعداد جلد یا صفحه، ابعاد (قطع)، عنوان فرعی، شماره استاندارد بین‌المللی و یادداشت.

کتابخانه‌های تخصصی که به اطلاعات بیشتر نیاز دارند، از این فهرست‌نویسی استفاده می‌کنند.

سطح سوم: توصیف کامل و جامع آثار را ارائه می‌دهد و بیشتر در مورد آثاری به کار گرفته می‌شوند که از نظر کتابخانه با اهمیت شمرده می‌شوند و باید اطلاعات دقیق‌تری به خواننده تحویل دهند (ر.ک: فتاحی، ۱۳۷۳، ص ۳۵).

در سطح سوم، علاوه بر ثبت اطلاعات کتاب‌شناختی سطح دوم، این اطلاعات

نیز ثبت و درج می گردند: موضوع اصلی، چکیده، فهرست مندرجات، سرفصل‌های اصلی، سرفصل‌های فرعی، دیباچه، مقدمه، پیش‌گفتار، متن اصلی، ارجاعات کتاب‌شناختی، نمایه‌های انتهایی، عکس‌ها، نمودارها، جداول، زیرنویس‌ها و غیره، که همان فهرست‌نویسی موضوعی پیشرفته است که در مقاله «علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی» به آن اشاره کرده‌ام (ر.ک: واردی، ۱۳۹۷).

برای اجرای سطوح گفته‌شده، به کتاب فقهی العروة الوثقی اشاره می‌کنم. برای فهرست‌نویسی سطح اول این کتاب، مؤلفه‌های ذیل ثبت و درج می‌گردد:

طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم
العروة الوثقی / تألیف علامه سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی
بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ه. ۲ ج
شابک:
واژه‌نامه:

برای سطح دوم نیز این مؤلفه‌ها نمایه می‌شوند:

طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم
العروة الوثقی / تألیف علامه سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی. تعلیقات: مراجع شیعه
امامیه
ویرایش: سوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ه. ۲ ج. چاپ: دوم
جلد اول ۹۵۰ ص و جلد دوم ۹۶۰ ص.
این کتاب مبنای درسی غالب فقهای شیعه در دروس خارج فقه حوزه‌های علمیه است.
شابک:
واژه‌نامه:

برای نمایه‌سازی سطح سوم این مؤلفه‌ها ثبت و درج می‌گردد:

طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم
العروة الوثقی / تالیف علامه سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی. تعلیقات: مراجع شیعه امامیه
ویرایش: سوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ه. ج. چاپ: دوم. قطع:
رقعی
جلد اول ۹۵۰ ص و جلد دوم ۹۶۰ ص.
موضوع اصلی: فقه شیعه
سرفصل‌های اصلی: طهارت، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، اجاره، مضاربه، شرکت،
مزارعه، مساقات، ضمان و ...
فهرست مندرجات:
منابع:

این کتاب مبنای درسی غالب فقهای شیعه در دروس خارج فقه حوزه‌های علمیه است.
شابک:
واژه‌نامه:

البته این کتاب، بسیاری از مؤلفه‌های گفته‌شده در سطح دوم و سطح سوم (مانند پدیدآور اول و پدیدآور دوم یا زبان اول و زبان دوم یا تعلیقه‌ها و امثال آن) را ندارد و بدین جهت اطلاعات کامل در این دو جدول وارد نشده است. غرض آن است که تفاوت‌های بین سه سطح گفته‌شده، در ثبت و درج اطلاعات کتاب‌شناختی حداقلی و حداکثری مدارک در مرحله بازنمایی نشان داده شود.

۳-۱-۲. رویکرد کاربرگرا

در رویکرد کاربرگرا (یا کاربرمدار یا کاربرمحور)، نمایه‌ساز در تعیین محتوای

موضوعی یک مدرک و همچنین واژگان نمایه‌ای، نیازهای اطلاعاتی کاربران و واژگان مورد استفاده توسط آنان را در ذهن داشته و بر همان اساس نمایه‌سازی می‌کند. بیشترین هم و غم وی برآوردن نیازهای اطلاعاتی کاربران است.

به گفته بونیورا^۱ نمایه‌ساز در این رویکرد به این مسئله می‌اندیشد که کاربر این مدرک چه پرسش‌هایی خواهد داشت که در این متن به آنها پاسخ داده می‌شود. به منظور ایجاد نمایه‌ای موفق، باید نیازهای خواننده را برآورده ساخت و لازم است نمایه‌ساز مخاطب و محصول خود را بشناسد و براساس پرسش‌های کاربران، نمایه را ایجاد کند. یکی از چالش‌ها در ایجاد نمایه، انتخاب موضوع‌ها است. این موضوع‌ها ممکن است به صورت مدخل‌های نمایه به کار روند و می‌توانند درباره هر بخشی از مدرک از جمله واژه‌ها، عبارت‌ها، جمله‌ها، پاراگراف‌ها، فصل‌ها، جدول‌ها، نمودارها، مفاهیم و ایده‌ها باشند. او در ادامه پیشنهاد می‌کند: تنها موضوع‌هایی را در نمایه قرار دهید که مورد استفاده خوانندگان است و از پدیدآوردن فهرستی که مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارت‌های داخل متن هستند، خودداری کنید (کاظم‌پور، ۱۳۸۸).

در بازنمایی دانش فقه، نمایه‌ساز باید فقیه یا حداقل دانش آموخته رشته فقه و کارشناس مسائل فقهی باشد تا به خوبی درک کند که نیاز کاربران فقه، اعم از مجتهدان، استادان، طلاب و عموم متدینان که می‌خواهند زندگی خود را بر وفق فقه سازگار کنند، چیست و چگونه باید تنظیم، بازنمایی و بازیابی شود.

در این زمینه، اصطلاح‌نامه فقه می‌تواند ایفای نقش کند و نمایه‌ساز را در تنظیم و طبقه‌بندی اطلاعات و نمایه‌سازی آنها در راستای نیاز کاربران کمک شایان کند.

برای مثال اگر نمایه‌ساز، نیاز کاربران درباره وقت نماز را بخواهد برآورده کند، اصطلاح‌نامه فقه با روابط معنایی بین اصطلاحات (مانند اصطلاح مترادف،

1. Bonura, Larry S.

اصطلاح اعم، اصطلاح اخص و اصطلاح وابسته) این ساختار را در اختیارش قرار می‌دهد:

وقت نماز

بج

زمان نماز

هنگام نماز

ا.ع

شرایط اذان

شرایط اقامه

شرایط نماز

وَقْتُ

ا.خ

وقت نیت نماز

(به لحاظ ابتدا و انتها)

آخر وقت نماز

اول وقت نماز

(به لحاظ احکام تکلیفی)

وقت نماز مستحب

وقت نماز واجب

(به لحاظ اختصاص)

وقت مختص نماز

وقت مشترک نماز

(به لحاظ اختیار)

وقت اختیاری نماز
وقت اضطراری نماز
(به لحاظ عذر)
وقت نماز مختار
وقت نماز معذور
(به لحاظ فضیلت)
وقت اجزای نماز
وقت فضیلت نماز
(به لحاظ نوع)
وقت نماز احرام
وقت نماز طواف

۱۰.

اتحاد وقت نماز
اجاره در وقت نماز
احتشاء حیض
اخلال در وقت نماز
ادراک نماز جماعت
ادراک وقت نماز
اذان بعد از وقت
اذان در تنگی وقت
اذان قبل از وقت
اسلام در وقت نماز
اعتماد به اذان
اعلام اوقات شرعی از رسانه
افاقه بی هوش

افاقه مجنون در وقت نماز
 اقتدای شاک در نماز
 آیه وقت
 برگشت از سفر
 بلوغ در وقت نماز
 تقلید در وقت نماز
 تنگی وقت نماز
 حیض قبل از وقت نماز
 دفن میت در وقت نماز
 ذکر نفسا وقت نماز
 زوال عذر در وقت نماز
 سفر در وقت نماز
 شک بعد وقت نماز
 شک در انجام نماز در وقت
 شک در دخول وقت نماز
 شک در نماز خارج از وقت
 شک در نماز در وقت
 شک در وقت نماز
 شهادت دو عادل به وقت نماز
 شهادت یک عادل به وقت نماز
 صدای خروس
 طهارت از حیض وقت نماز
 طهارت از نفاس وقت نماز
 طهارت مسجد در وقت نماز
 ظن به دخول وقت نماز

ظهور خلاف در نماز
ظهور خلاف در وقت نماز
عجز از وقت نماز
عذر بعد از وقت نماز
علائم وقت نماز
علم به وقت نماز
نیت وقت نماز
نماز
نماز آخر وقت
نماز اول وقت
نماز با درك يك ركعت
نماز بعد از وقت
نماز در تنگی وقت
نماز قبل از وقت
ورود وقت در اثنای نماز
ورود وقت نماز
وسعت وقت نماز
وضوی حیض وقت نماز
وضو قبل از وقت
وضوی مستحاضه بعد از وقت
وضوی نفسا در وقت نماز

وقت اذان (جمعی از محققان پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارك اسلامی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۰۴۵).

گفتنی است علائم: ب.ج به معنای بجای، ا.ع به معنای واژه عام تر، ا.خ به معنای واژه خاص تر و ا.و به معنای اصطلاح وابسته است.

به هر روی اگر بازنمایی اطلاعات براساس نیاز کاربران انجام گیرد، باید از

اصطلاح‌نامه بهره گرفته شود و در مرحله بازیابی اطلاعات با استفاده از خاص‌ترین اصطلاح موجود، دسترسی کاربران به اطلاع دلخواه فراهم می‌شود.

۳-۱-۳. رویکرد حوزه‌گرا

نکته اصلی در رویکرد حوزه‌گرا (یا حوزه‌محور یا حوزه‌مدار)، تجزیه و تحلیل حوزه‌های مورد نظر است، یعنی توجه به حوزه‌ای از دانش یا به محتوای اطلاعاتی منبعی با دامنه خاص (ر.ک: تیلور، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳)، مانند تحلیل موضوعات علوم انسانی یا علوم اسلامی، یا کلام اسلامی یا دانش فقه و امثال آنها یا مثل حوزه‌های تخصصی اجتماعی مانند کودکان، زنان، جوانان، سالمندان و مانند آنها.

در این رویکرد، تحلیل مدارک بر پایه تحلیل‌ها و یافته‌هایی که از مطالعه حوزه خاص (مانند فقه) و کاربران به دست می‌آید، انجام می‌شود.

هم‌اکنون با توجه به نیاز جامعه اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی به موضوعات کاربردی فقهی، مانند فقه بانکداری، فقه اداری، فقه ورزش، فقه تجارت، فقه طبابت، فقه زراعت و فقه سکونت، مدیریت اطلاعات چنین دامنه‌هایی از دانش فقه از طریق نمایه‌سازی، کاری نو و سودمند، بلکه بالاتر کار ضروری است و مراکز پژوهشی فقه باید به این سمت و سو میل کنند و به جای پژوهش‌های مشابه یا موازی در موضوعات کلی فقهی، در راستای استفاده از اطلاعات تهیه و تولیدشده این دانش که در محیط‌های الکترونیکی ذخیره شده‌اند، اقدامی جدی انجام دهند.

به نظر می‌آید برای بازنمایی اطلاعات دانش فقه به منظور مدیریت محتوایی منابع و امکان تهیه درختواره اصطلاحات این دانش عمیق، رویکرد حوزه‌گرا بهترین و مورد نیازترین رویکردها است. در آن صورت، تنها منابع مکتوب یا نیاز کاربران مورد نظر قرار نمی‌گیرد، بلکه همه منابعی که حاوی اطلاعات دانش فقه‌اند (اعم از مکتوب و دیجیتال و اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی و سخنرانی تخصصی) و همین‌طور اطلاعاتی که به صورت کاربردی یا به صورت پایه‌ای مورد نیاز کاربران است، نمایه‌سازی می‌شوند. بازنمایی اطلاعات با این گرایش، علاوه بر آنکه امکان

شناسایی اجزای ساختار نظام‌مند اصطلاح‌نامه و روابط معنایی بین آنها را به وجود می‌آورد، می‌تواند اطلاعات دانش فقه را به صورت دقیق و اخص در اختیار پژوهشگران و صاحبان اندیشه فقهی قرار دهد و آنان را در استنباط احکام شریعت یاری کند. البته به دو رویکرد قبلی نیز به‌عنوان مکمل مدیریت اطلاعات، باید در کنار رویکرد حوزه‌گرا توجه کرد و درواقع تلفیقی از سه رویکرد، با محوریت رویکرد حوزه‌گرا در دستور کار قرار گیرد.

۲-۳. از جهت محتوای نمایه‌سازی

از جهت محتوای نمایه‌سازی نیز سه رویکرد به شرح ذیل برای بازنمایی اطلاعات دانش فقه (یا هر دانش دیگری) وجود دارد:

۱-۲-۳. رویکرد واژگانی

در رویکرد واژگانی، فقط به واژگان به‌کاررفته در متن سند توجه می‌شود و برای نمایه‌سازی انتخاب می‌شوند و توجهی به موضوع یا موضوعات موجود در سند نمی‌شود. طبعاً مراد از واژگان، واژه‌هایی هستند که بار اطلاعاتی داشته باشند، نه هر واژه‌ای که در سند آمده باشد. بی‌تردید در این نوع نمایه‌سازی، الفاظی که فاقد بار اطلاعاتی باشند، مثل حروف اضافه (مانند: از، به، برای، الی، از برای، از بهر، بر، در، جز، الا، چون، مثل، مانند، نظیر، تا، مگر، همچون، همانند)، حروف ربط و پیوندی (یک‌جزئی مانند: اگر، اما، پس، چون، چه، خواه، زیرا، لیک، که، نه، نیز، و، ولی، هم، یا، تا و بیش از یک جزء مانند: اگرچه، از این رو، از بس که، با این حال، به طوری که، بنابراین، بلکه، بی‌آنکه، همین که، چون که، تاجایی که، به شرط آنکه، در نتیجه، زیرا که، گذشته از این، مع هذا، برای اینکه، تا زمانی که)، حروف نشانه (مانند: ای، یا، ایا، ایها در اول کلمه و الف و ـ یا اضافه در آخر کلمه نقش منادا را تعیین می‌کنند) و حروفی که برای فعل و مصدر به کار گرفته می‌شوند (مانند: بود، باشد، می‌باشد، خواهد بود، کرد، می‌کند، نمود، می‌نمود، داشت، داشتن، بودن، کردن) جایگاهی ندارند و بدین جهت نمایه نمی‌شوند.

رویکرد واژگانی، از بین اقسام زبان نمایه‌سازی (که بعداً بررسی می‌شوند)، از زبان طبیعی بهره می‌گیرد. آن را «نمایه استخراجی» نیز می‌گویند که با استفاده از رایانه، واژگان کلیدی متن‌های الکترونیکی شناخته و استخراج می‌شوند (ر.ک: نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶).

پیتر فاگمن آن را ساده‌ترین روش برای نمایه‌سازی کتاب می‌داند و درباره چگونگی ساخت آن می‌گوید:

الف) تعیین مهم‌ترین واژه‌ها در متن؛

ب) استخراج دستی یا کامپیوتری آنها؛

ج) الفبایی کردن آنها؛

د) برقراری ارجاع جاینما برای آنها. این فرایند دقیقاً منطبق با نمایه‌سازی استخراجی با تمامی کاستی‌ها و نقصان‌ها است. در این روش، مقابله متن با موضوع انجام نمی‌گیرد و فقط واژه‌ها جمع‌آوری می‌شوند. در این روش کنترل مترادفات و لغوی‌سازی بیان‌های تفسیری نادیده گرفته می‌شود (فاگمن، ۱۳۷۴، ص ۱۶۷).

گفتنی است برای نمایه‌های آخر غالب کتاب‌های نشر یافته در داخل کشور، از این رویکرد به جهت راحتی در ساخت نمایه‌ها استفاده می‌شود؛ ولی چون کمک قابل توجهی به کاربران در دستیابی به موضوعات و مطالب دلخواه آنان نمی‌کند، استفاده مفیدی از آنان نمی‌شود و بیشتر جنبه ویترونی و تزینی دارند تا اطلاع‌رسانی؛ به‌عنوان مثال در یک کتاب سیصدصفحه‌ای، واژگانی (مانند: ایران، اسلام، قرآن) با بسامد بالا ثبت و درج و برایشان جاینما تعیین می‌گردد که اگر کسی بخواهد از آنها استفاده کند، اولاً باید بخش‌های زیادی از کتاب را تورق کند و ثانیاً هر مورد را مطالعه کند و ببیند درباره چه چیزی از آن واژگان بحث کرده است. گاهی کسی واژه مشابه یا مشترک لفظی را جستجو می‌کند، ولی اطلاعات دلخواه به وی داده نمی‌شود. همچنین ممکن است از واژه‌هایی که در زبان طبیعی رهنزن هستند، به کار گرفته شده باشند. در آن صورت، آدرس غلط داده می‌شود. نمونه‌اش واژه‌هایی چون بت، صنم، می، ساقی و امثال آن است که در نثر یا شعر آورده می‌شوند.

در اینجا به شعر زیبای زنده یاد علی معلم دامغانی که در مدح امیر مؤمنان، امام علی بن ابی طالب علیه السلام با عنوان «ماه غریستان» سروده اشاره می‌کنم:

دیده بگشا ای به شهد مرگ نوشینت رضا دیده بگشا بر عدم، ای مستی هستی فزا
دیده بگشا ای پس از سوء القضا حسن القضا دیده بگشا از کرم، رنجور در دستان، علی!
بحر مروارید غم، گنجور مردستان، علی! دیده بگشا رنج انسان بین و سیل اشک و آه
کیر پستان بین و جام جهل و فرجام گناه تیر و ترکش، خون و آتش، خشم سرکش، بیم چاه
دیده بگشا بر ستم؛ بر این فریستان، علی! شمع شب‌های دژم، ماه غریستان، علی!
دیده بگشا! نقش انسان ماند با جامی تهی سوخت لاله، مُرد لیلی، خشک شد سرو سَهی
زا گهی مان جهل ماند و جهل ماند از آگهی دیده بگشا ای صنم، ای ساقی مستان، علی!

تیره شد از بیش و کم آینه هستان، علی

در این ابیات زیبا و موزون اگر به درستی دقت شود، واژگانی وجود دارد که هیچ ارتباطی با مفهوم آن که توصیف امیر مؤمنان علیه السلام است، ندارند. مانند: مرگ، رضا، مستی، مروارید، سیل، خون، آتش، چاه، لاله، لیلی، صنم، ساقی.

در این صورت اگر هریک از آنها (بر اساس نمایه واژگانی) بازنمایی شوند و کاربران در مقام بازایی اطلاعات در پی آنها باشند، نشانی درستی به آنان داده نمی‌شود. چون هیچ‌یک از آنها به مفهوم حقیقی خود به کار نرفته‌اند؛ زیرا اگر کاربری در پی سیل یا خون یا صنم و مواردی از این دست باشد، آیا در این متن چیز قابل توجهی به وی داده می‌شود؟ بی‌تردید پاسخ منفی است؛ زیرا این متن در توصیف امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام است. همچنین در این ابیات، واژه «علی» اولاً بین علی (نام شخص) و علی (به معنای استعلا) مردد است. ثانیاً اگر به مفهوم علی (نام شخص) باشد، کدام علی مراد است؟ صدها هزار یا میلیون‌ها علی وجود دارد. بی‌تردید در مقام بازایی با اشتباه و آدرس‌دهی غلط مواجه می‌گردد. بدین جهت نمایه واژگانی نه تنها کمکی به جستجوگران اطلاعات نمی‌کند، چه بسا زحمتش را زیاد و او را به بیراهه رهنمون می‌گرداند.

۲-۲-۳. رویکرد موضوعی

در رویکرد موضوعی، به موضوعات موجود در سند پرداخته می‌شود و درگیر الفاظ و کلمات موجود در متن نمی‌شود. ممکن است اصطلاحی انتخاب شود که با همین تلفظ در متن وجود نداشته باشد؛ برای مثال صاحب جواهر در بحث تکتيف یا تکفیر در نماز و دیدگاه شیعه در این باره، روایتی از امام زین العابدین علیه السلام بدین عبارت نقل کرده است: «والمروى عن قرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن عن جده على بن جعفر، قال: قال أخى علیه السلام: قال على بن الحسين علیه السلام: وضع الرجل إحدى يديه على الأخرى فى الصلاة عمل وليس فى الصلاة عمل» (صاحب جواهر، ۱۹۸۴م، ج ۱۱، ص ۱۵). بعد از حذف راویان، این حدیث شریف را امام موسی کاظم علیه السلام از جلد اعلايش امام زین العابدین علیه السلام در خصوص بطلان تکتيف روایت کرده است. اگر نمایه موضوعی ترکیبی برای آن زده شود، باید از واژه‌هایی چون بطلان، تکتيف، حدیث، امام موسی کاظم علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام استفاده شود؛ درحالی که هیچ کدام از آنها در عبارت بالا نیامده است. در عوض واژه‌هایی مثل وضع، عمل و رجل آمده که اگر نمایه شوند، بی‌ربطاند و آدرس درستی به کاربران داده نمی‌شود. افزون بر اینکه رَجُل و رَجُل نیز مشتبه می‌شود. تنها واژه مشترک در این عبارت، «الصلاة» است که اگر سیستم جستجوگر واژه‌ای از اصطلاح‌نامه بهره گرفته باشد، می‌تواند آن را به جای نماز بازیابی کند.

در رویکرد موضوعی اطلاعات فقه باید از اصول کنترل واژگان (مانند اصطلاح‌نامه) پیروی کرد و این رویکرد در سازماندهی اطلاعات دانش فقه بسیار کارگشا است. هم‌اکنون برخی از سازمان‌ها و مراکز سازماندهی اطلاعات، از جمله پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) از این رویکرد بهره می‌گیرند و اطلاعات مهم علمی رشته‌های تخصصی علوم اسلامی را از این طریق نمایه‌سازی می‌کنند.

در رویکرد موضوعی، نه تنها حروف اضافه، حروف ربط و پیوندی، حروف نشانه و حروف مربوط به فعل و مصدر به کار گرفته نمی‌شوند، بلکه اساساً الفاظ و کلمات موجود در متن، موضوعیتی ندارند و آنچه مهم است و در مقام ترجمه باید انتخاب

گردند، معنا و مفهوم آن عبارات است و آن هم باید براساس واژگان کنترل شده باشد. این شیوه نمایه‌سازی را «نمایه تخصیصی» نیز می‌گویند که در برابر نمایه استخراجی قرار می‌گیرد که در سطرهای بالا به آن اشاره شد. نمایه تخصیصی هم در نمایه‌های دستی و هم در نمایه‌های رایانه‌ای کاربرد دارد.

تیلور نه تنها بازنمایی بلکه بازیابی اطلاعات با استفاده از رویکردی موضوعی را بدین گونه توصیف می‌کند: استفاده از رویکرد موضوعی برای جستجوی اطلاعات در عصر الکترونیک نیز رویکردی عمده برای بازیابی اطلاعات تلقی می‌شود (تیلور، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴).

۳-۲-۳. رویکرد استنادی

رویکرد استنادی یا نمایه استنادی، نوعی نمایه‌سازی است که امکان بازیابی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌های علمی را بر مبنای استنادهای دریافتی از دیگر مقاله‌ها و ارجاع‌ها به دیگر مقاله‌ها فراهم می‌نماید. در واقع نوعی نمایه است که آثار پیشین را که در آثار پسین به آنها استناد شده، فهرست می‌کند.

کلیولند آن را بدین گونه معرفی می‌کند: نمایه استنادی شامل فهرستی از مقالات و یک فهرست فرعی تحت هر یک از مقالات منتشر شده‌ای است که به آن مقالات استناد کرده‌اند؛ به عبارت دیگر در مورد یک مقاله خاص، نمایه استنادی مشخص می‌کند که به این مقاله در چه مقالات دیگری که بعد از آن نوشته شده‌اند، استناد شده است (کلیولند، ۱۳۸۵، ص ۹۱).

دمرچی‌لو در این خصوص می‌گوید: در واقع ارزش یک پژوهش یا مقاله براساس تاثیر در مقالات و نوشته‌های بعدی (حضور در مآخذ آنها) تعیین می‌شود (دمرچی‌لو، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶).

نمایه استنادی (Citation Index) با نمایه‌های واژگانی یا موضوعی - که در بخش‌های گذشته بررسی شدند - از این جهت تفاوت دارد که نمایه استنادی موجب پیوند بین یک اثر با اثر دیگر، یا یک مقاله با مقاله دیگر یا یک اندیشه با اندیشه دیگر می‌گردد؛ در حالی که نمایه‌های واژگانی یا موضوعی تنها ناظر به محتوای

یک اثر یا یک مقاله‌اند و ارتباطی با اثر دیگر ندارند؛ بدین جهت با آن دو تفاوت اساسی دارد.

برای مثال مقاله‌ای در موضوع «وقف» با عنوان «اقتضای ماهیت وقف بر جایز نبودن تغییر و تبدیل آن» در شماره ۹۱ فصلنامه «کاوشی نو در فقه»، از نویسنده این پژوهش (واردی، ۱۳۹۶) منتشر شده است. اگر بعد از انتشار آن، هر کسی در پژوهش و مقاله‌های خود به آن استناد کند و استناد آنان نمایه شود، به آن نمایه استنادی گفته می‌شود. از این طریق، نویسنده مقاله (یا هر کاربری) با جستجوی مقالات استنادشده به این مقاله، می‌تواند مدارک و اطلاعات بیشتری در مورد موضوعات مشابه مقاله مزبور را پیدا کند، بدون اینکه بخواهد از طریق کلمات کلیدی یا موضوع مقالات آن را جستجو نماید.

اهداف نمایه استنادی عبارت‌اند از:

۱. فراهم آوردن امکان جستجو و بازیابی اطلاعات راحت و آسان؛
۲. معرفی پیشینه‌های پژوهش از طریق استنادها و ارجاعات؛
۳. از سر راه برداشتن مشکلات زبانی و مسائل گزینش واژگان در بازیابی اطلاعات؛
۴. ارزیابی آثار علمی بر مبنای میزان استناد به آنها.

اما کاربردهای نمایه استنادی عبارت‌اند از:

۱. پی‌بردن به تعداد دفعاتی که به مقاله استناد شده است؛
۲. شمارش استنادات؛
۳. مشخص کردن بهترین ژورنال‌ها در حیطه تخصص مقاله مورد نظر؛
۴. بررسی منابع قدیمی و مهم؛
۵. به‌دست آوردن مدت زمان مورد استناد واقع شدن مقالات و تعیین شاخص اچ‌ایندکس؛
۶. اصلاح ارجاعات قدیمی و نامشخص؛
۷. یافتن مقالاتی که به مقاله مورد نظر استناد کرده‌اند.

رویکرد نمایه استنادی، رویکرد تازه و کمتر شناخته شده بین رویکردهای نمایه سازی است و چون بیشتر در مقالات و پژوهشنامه ها به کار گرفته می شود، می تواند در تکمیل مدیریت اطلاعات دانش فقه کمک قابل توجهی داشته باشد؛ ولی آنچه هم اکنون برای دانش فقه ضرورت دارد، بازنمایی اطلاعات آن از طریق رویکردهای حوزه گرا و موضوعی است.

نتیجه گیری

ضرورت مدیریت مفهومی دانش فقه بر کسی پوشیده نیست و انجام آن از طریق بازنمایی اطلاعات (یعنی نمایه سازی) نیز مفروغ عنه است؛ اما به سبب مشکک بودن مفهوم نمایه سازی بین حداقلی و حداکثری و همین طور وجود رویکردهای مختلف برای انجام آن، ضرورت دارد مفهوم و مراتب نمایه سازی بررسی و رویکردهای آن که نقش مهمی در عملیات نمایه ها دارند، به درستی شناسایی و بررسی و برای انتخاب هر یک از آنها تصمیم گیری شود. با بررسی های انجام شده، روشن شده است رویکردهای نمایه سازی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند و هر دسته به سه دسته فرعی تر تقسیم می شود. گرچه همه آنها در سازماندهی اطلاعات به گونه ای کارگشا هستند، رویکرد حوزه گرا و رویکرد موضوعی توان سازماندهی و در نتیجه مدیریت اطلاعات دانش فقه را دارند و مسئولان و مدیران مراکز پژوهشی فقهی، در کنار تحقیق و تولید موضوعات فقهی موردی، اقدام به مدیریت اطلاعات دانش فقه که در محیط های الکترونیکی انباشته و ذخیره شده اند نیز بنمایند، تا از این طریق دانش فقه به صورت نظام مند در اختیار پژوهشگران، مجتهدان و عامه متدینان قرار گیرد و زمینه بهره گیری عملی آن برای وفق بر زندگی به سبک اسلامی فراهم آید.

فهرست منابع

۱. تیلور، آرلین جی. (۱۳۸۱). سازماندهی اطلاعات (مترجم: محمدحسین دیبانی). مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.
۲. جمعی از محققان پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۹۸). اصطلاح‌نامه فقه (۸ جلد، چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية (۶ جلد، چاپ چهارم). بیروت: دار العلم للملایین.
۴. حسن زاده، حسین. (۱۳۹۷). ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای دیجیتال، فصلنامه فقه، ۲۵(۹۶)، صص ۲۸-۵۶.
۵. دمرچی‌لو، منصوره؛ تاجبخش، افشان. (۱۳۸۶). معرفی نمایه استنادی Science Citation Index، مجله دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۲۵(۷۳)، صص ۳۳۶-۳۴۰.
۶. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. (۱۳۷۲). اصطلاح‌نامه کتابداری (ویرایش دوم). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. نجفی، محمدحسن. (صاحب جواهر). (۱۹۸۴م). جواهر الکلام (۴۳ جلد، محقق و تعلیق: عباس قوچانی، چاپ هفتم). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. عاملی، حسن بن زین العابدین (صاحب معالم). (۱۴۱۷ق). معالم الدین و ملاذ المجتهدین (۲ جلد، محقق: سیدمنذر حکیم). قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.
۹. عینی، اکرم. (۱۳۸۴). اطلاعات چیست؟، فصلنامه کتاب، ۱۶(۶۱)، صص ۲۹-۳۴.
۱۰. فاگمن، رابرت. (۱۳۷۴). تحلیل موضوعی و نمایه‌سازی (مترجم: علی مزینانی). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۷۳). فهرست‌نویسی، اصول و روش‌ها (ویراستار علمی و ادبی: اسدالله آزاد، چاپ اول). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

۱۲. کاظم پور، زهرا؛ اشرفی ریزی، حسن. (۱۳۸۸). فرایند نمایه‌سازی و رویکردهای آن در سازماندهی اطلاعات، فصلنامه کتاب، ۲۰(۷۹)، صص ۲۲۷-۲۳۸.
۱۳. کلیوند، دونالد بی؛ کلیوند، آنادی. (۱۳۸۵). درآمدی بر نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی (مترجم: سیدمهدی حسینی، چاپ اول). تهران: چاپار.
۱۴. لوبوف، پاتریک و ارسطوپور، شعله. (۱۳۹۷). رویکردهای نو به سازماندهی اطلاعات، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰(۳۷)، صص ۷-۳۸.
۱۵. متقی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۹۸). نمایه‌سازی نظام‌مند دانش فقه. فصلنامه فقه، ۲۶(۱۰۰)، صص ۱۲۹-۱۴۷.
۱۶. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴ جلد، چاپ اول). تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.
۱۷. مؤسسه استاندارد بریتانیا. (۱۳۹۱). اطلاعات و مستندسازی (۲ جلد، مترجم: زهرا دهسرائی، چاپ اول). تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
۱۸. نوروزی، علیرضا؛ ولایتی، خالد. (۱۳۸۹). نمایه‌سازی موضوعی: نمایه‌سازی مفهومی. تهران: چاپار.
۱۹. نوروزی، علیرضا. (۱۳۹۲). بازنمایی اطلاعات چیست؟، ویلاگ مشاوره اطلاعاتی، به نشانی: <http://nouruzi.blogfa.com/post/228>
۲۰. نوری، محمد. (۱۳۹۰). ساختار تبویبی و نمایه‌ای فقه. آینه پژوهش، ۲۲(۱۳۲)، صص ۲۸-۳۹.
۲۱. نیازی، سیمین. (۱۳۹۷). نمایه‌سازی، ویکی دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، به نشانی: <http://portal.nlai.ir/daka/Wiki>
۲۲. نیاکان، شهرزاد. (۱۳۹۰). نمایه‌سازی ماشینی. تهران: کتابدار.
۲۳. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۶). اقتضای ماهیت وقف بر جایز نبودن تغییر و تبدیل آن. کاوشی نو در فقه، ۲۴(۹۱)، صص ۵۷-۸۰.
۲۴. واردی، سیدتقی. (۱۳۹۷). علل ترجیح نمایه موضوعی با رویکرد ترکیبی در بازنمایی موضوعات فقهی، فصلنامه فقه، ۲۵(۹۵)، صص ۷۶-۱۰۷.

References

1. A group of researchers. (1398 AP). *Thesaurus of jurisprudence*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian].
2. A'yni, A. (1384 AP). What is information ? *Ketab*, 16(61), pp. 29-34. [In Persian].
3. al-Amili, H. (1417 AH). *Ma'alim al-din wa maladh al-mujtahidin* (S. M. Hakim, Ed.). Qom: Jurisprudence Foundation. [In Arabic].
4. British Standard Institute. (1391 AP). *Information and Documentation* (Z. Dehsaraei, Trans., 1st ed.). Tehran: Iran Institute of Information Science and Technology. [In Persian].
5. Cleveland, D. B., & Cleveland, Anadi. (2006) *An Introduction to Indexing and Abstracting* (S. M. Hussein, Trans., 1st ed.). Tehran: Chapar. [In Persian].
6. Damarchiloo, M., & Tajbakhsh, A. (1386 AP). Introduction of Science Citation Index. *Journal of School of Dentistry of Shahid Beheshti University of Medical Sciences*, 25(73), pp. 336-340. [In Persian].
7. Fagman, R. (1374 AP). *Thematic analysis and indexing* (A. Mazinani, Trans.). Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
8. Fattahi, R. (1373 AP). *Cataloging, Principles and Parctices* (A. Azad, Ed., 1st ed.). Mashhad: Ferdowsi University Press. [In Persian].
9. Hassanzadeh, H. (1397 AP). The Need for Ontology of Fiqh to Manage Jurisprudential Information in Digital Space. *Fiqh*, 25(96), pp. 28-56. [In Persian].
10. Johari, I. (1407 AH). *al- Sihah Taj al-Lugha wa Sihah al-Arabiya* (4th ed.). Beirut: Dar El Ilm Lilmalayin. [In Arabic].
11. Kazempour, Z., & Ashrafirizi, H. (1388 AP). The indexing process and its approaches in organization of information. *Ketab*, 20(79), pp. 227-238. [In Persian].
12. Lubov, P., & Aristopour, F. (2007). New Approaches to Information Organization. *Library and Information Science*, 10(37), pp. 7-38.
13. Mottaqinejad, M. (1398 AP). The systematic indexing of Information of Jurisprudence. *Fiqh*, 26 (100), pp. 129-147. [In Persian].

14. Mustafavi, H. (1402 AH). *Research in the words of the Holy Quran* (1st ed.). Tehran: Book Centeror Translation and Publishing. [In Persian].
15. Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam* (A. Quchani, Ed., 7th ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
16. Niyakan, Sh. (1390 AP). *Machine indexing. Tehran: Librarian*. [In Persian].
17. Niyazi, S. (1397 AP). *Indexing. Wiki of Library and Information Encyclopedia*, Retrieved from: <http://portal.nlai.ir/daka/Wiki>. [In Persian].
18. Norouzi, A. (1392 AP). *What is Information Representation? Information Consulting Blog*, Retrieved from: <http://nouruzi.blogfa.com/post/228>. [In Persian].
19. Norouzi, A., & Welayati, Kh. (1389 AP). *Thematic indexing: Conceptual indexing*. Tehran: Chapar. [In Persian].
20. Nouri, M. (1390 AP). Sectional and Indexical Structure of Jurisprudence. *Ayeneh-ye- Pazhoohesh*, 22(132), pp. 28-39. [In Persian].
21. Soltani, P., & Rastin, F. (1372 AP). *Library Thesaurus* (2nd ed.). Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
22. Taylor, A. G. (1381 AP). *The organization of information* (M. H. Dayani, Trans). Mashhad: Computer Library. [In Persian].
23. Waredi, S. T. (1396 AP). Normality of the waqf's nature (endowment) on permissibility of change and transformation. *Fiqh*, 24(91), pp. 57-80. [In Persian].
24. Waredi, S. T. (1397 AP). Reasons of preferring a subjective index with a compound approach to repre-senting jurisprudential subjects. *Fiqh*, 25(95), pp. 76-107. [In Persian].